



The Onomastics and Localization of the Band Amir River [Bendemir] on the Northern Shores of the Persian Gulf Based on Guillaume Delisle's Map of Safavid Iran

Yaser Mollazaei¹ 

1. PhD Graduate, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran (yassermollazaei@ut.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 05 December 2025
Received in revised form:
06 January 2026
Accepted: 31 January 2026
Published online: 11 March 2026

Keywords:

Iran,
Persian Gulf,
Bendemir,
Guillaume Delisle,
European Cartography,
Safavid

ABSTRACT

The expansion of relations between Iran and Europe during the Safavid era (16-18 AD/ 10-12 AH) led Europeans to broaden their understanding of Iran's geography. Europeans pursued this goal by extensively producing and distributing geographic maps during this period. Unlike travel writers, European cartographers rarely conducted fieldwork or surveys, leading to perceptual errors in Iranian toponyms on their maps. The number of maps and the diversity of information they included about Iran's geographical features, especially descriptions of its natural landscape, were remarkable. In this context, the present article examines how the river "Bendemir" was named and depicted on a map of Iran and its surrounding regions created by the French cartographer Guillaume Delisle in 1702 AD (1113 AH). This study specifically asks: What is the historical origin of the name "Bandemir" on Delisle's map, where is it located along the northern coast of the Persian Gulf, and to what extent does Delisle's placement match the geographical realities of the Safavid period? The article uses a descriptive-comparative methodology and draws on various Iranian and European sources to assess this natural feature, as shown on Delisle's map. The study's findings reveal a pattern of tension between the cartographer's mental geography and the territorial realities of the Safavid era. Specifically, the river labeled "Bandemir" lacked an independent geographical identity along the northern coast of the Persian Gulf, nor did it align with the territorial realities of the Safavid province of Fars. Delisle, shaped by perceptual errors from previous travel writers and cartographers, and by the historical fame of the dam known as Amir, which 'Azad al-Dawla of the Buyid dynasty reportedly built, gave this name to what scholars would later identify as the Sakkan or Qara-Aghaj River.

Cite this article: Mollazaei, Y. (2026). The Onomastics and Localization of the Band Amir River [Bendemir] on the Northern Shores of the Persian Gulf Based on Guillaume Delisle's Map of Safavid Iran. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 58(2), 223-250. DOI: 10.22059/jhic.2026.407650.654621



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2026.407650.654621

Publisher: University of Tehran Press.

نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه «بند امیر» [Bendemir] در کرانه‌های شمالی خلیج فارس بر مبنای نقشه گیوم دولیل فرانسوی از ایران عصر صفوی

یاسر ملازئی^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: yassermollazaei@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

کلید واژه‌ها:

ایران، خلیج فارس، رودخانه بند امیر، گیوم دولیل، نقشه‌نگاری اروپایی، صفوی.

هم‌زمان با عصر صفوی (سده ۱۶-۱۸ م. / ۱۰-۱۲ ق.) تکاپوهای جغرافیایی اروپائیان از ایران، این بار در قالب ترسیم نقشه‌های جغرافیایی، وضعیت جدیدی به خود گرفت. علاوه بر تعدد نقشه‌ها، تنوع اطلاعات درج‌شده در آنان درباره مشخصه‌های جغرافیایی ایران، از جمله توصیف چهره طبیعی ایران، قابل توجه است. از آنجا که نقشه‌نگاران اروپایی به اندازه سفرنامه‌نویسان دست به مطالعات میدانی و پیمایشی نمی‌زدند، بعضاً برخی خطاهای ادراکی درباره یک جای نام ایرانی در نقشه‌هایشان بازتاب پیدا می‌کرد. در همین راستا، هدف مقاله پیش‌رو آن است تا نحوه نامگذاری و مکان‌گزینی رودخانه‌ای با نام «بند امیر» در کرانه‌های شمالی خلیج فارس را در نقشه‌ای که «گیوم دولیل» فرانسوی در سال ۱۷۰۲ م. / ۱۱۱۳ ق. از ایران و سرزمین‌های پیرامونی آن ترسیم کرد، مورد بررسی قرار دهد. پرسش مقاله این است که «ریشه تاریخی نام "بند امیر" در نقشه دولیل که در کرانه‌های شمالی خلیج فارس مکان‌گزینی شده چیست و تا چه اندازه مکان‌یابی وی با واقعیت‌های جغرافیایی معاصر صفوی، همخوانی دارد؟». روش این مقاله، توصیفی-تطبیقی است. یافته‌های مقاله الگویی از تعارض جغرافیای ذهنی نقشه‌نگار با واقعیت‌های سرزمینی صفویان را نمایان می‌سازد؛ به طوری که رودخانه‌ای با نام «بند امیر»، نه تنها دارای هویت جغرافیایی مستقل در کرانه‌های شمالی خلیج فارس نبود، بلکه با واقعیت‌های سرزمینی صفویان در ایالت فارس نیز همخوانی نداشت. در واقع دولیل، از یک سو متأثر از خطایی ادراکی توسط سفرنامه‌نویسان و نقشه‌نگاران پیشینی و از سوی دیگر شهرت تاریخی بند مشهور به امیر، منتسب به عضدالدوله بویه‌ای، این نام را به «رودخانه سگان» یا «قره‌آغاج» بعدی، اطلاق کرد.

استناد: ملازئی، یاسر (۱۴۰۴). نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه «بند امیر» [Bendemir] در کرانه‌های شمالی خلیج فارس بر مبنای نقشه گیوم دولیل فرانسوی از ایران عصر صفوی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۱(۲)، ۲۲۳-۲۵۰. DOI: 10.22059/jhic.2026.407650.654621



© نویسندگان.

DOI: 10.22059/jhic.2026.407650.654621

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

اگرچه سابقهٔ مناسبات ایران با اروپا به پیش از دورهٔ صفویه بازمی‌گردد، هم‌زمان با فرمانروایی صفویان بر ایران (۱۵۰۱م. / ۹۰۷ق. - ۱۷۳۵م. / ۱۱۴۸ق.) و در نتیجهٔ تحولات داخلی و تغییرات بین‌المللی پیش‌آمدهٔ حاصل از آن، فصل جدیدی در مناسبات ایران و اروپا آغاز شد. در میانهٔ گسترش مناسبات دیپلماتیک و تجاری این‌دو، اروپائیان متأثر از کشف راه‌های جدید دریایی و در نتیجهٔ تسهیل و تسریع رفت‌وآمدها به ایران، دور جدیدی از تکاپوها برای کسب آگاهی‌های جغرافیایی از ایران را آغاز کردند. مهم‌ترین حاصلِ تعاملات فزایندهٔ ایران و اروپا در این دورهٔ تاریخی، ورود موجی جدید از سفرنامه‌نویسان اروپایی به ایران برای مقاصد سیاسی، تجاری و جغرافیایی بود که جزئیات و کلیات مندرج در گزارش‌های آنان، از اهمیتی ویژه در شناخت وضعیت ایران عصر صفوی برخوردارند.

با این حال، تکاپوهای اروپائیان برای کسب آگاهی‌ها جدید از ایران عصر صفوی، منحصر به سفرنامه‌ها نبود و این منابع را می‌توان، تنها یک روی سکهٔ کنجکاوی‌های اروپایی از ایران دانست؛ بلکه، روی دیگر و هم‌پای آن، ترسیم چهرهٔ جغرافیایی و طبیعی ایران در بستر نقشه‌هایی بود که فرسنگ‌ها دورتر از ایران و در شهرهای اروپایی، مانند آمستردام، پاریس، لندن، رم و دیگر شهرها، توسط نقشه‌نگارانی ترسیم می‌شدند که دربارهٔ چهرهٔ جغرافیایی و طبیعی ایران عصر صفوی می‌اندیشیدند. متناسب با همین آگاهی‌های حاصل‌شده، برخی از نقشه‌نگاران با رویکردی تیزبینانه، به جزئی‌ترین مشخصه‌های جغرافیایی ایران توجه و برخی دیگر به توصیف کلیات بسنده می‌کردند. از توصیف محدودهٔ سرزمینی و تقسیم‌بندی ایالت‌های ایرانی تا شرح جای‌نام‌ها، پراکندگی گروه‌های قومی و جمعیتی و همچنین بعضاً راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی ایران، همگی شامل مشخصه‌های جغرافیایی ایران عصر صفوی در نقشه‌نگاری اروپایی به شمار می‌روند. در کنار ویژگی‌های ذکرشده، در تصور نقشه‌نگاران اروپایی که دربارهٔ جغرافیای ایران می‌اندیشیدند، پهنهٔ سرزمینی صفویان، دارای یک چهرهٔ طبیعی متنوع و گوناگون بود که هر کدام از پدیده‌های مرتبط با آن، زندگی انسان ایرانی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تحت تأثیر قرار می‌داد؛ از لبه‌های دریایی این قلمرو جغرافیایی در شمال و جنوب گرفته تا حوزه‌های رودخانه‌ای و منابع آبی و همچنین از بیابان‌های پهناور و گرم آن گرفته تا دشت‌های وسیع و نواحی که پوشیده از رشته‌کوه‌ها بوده است. نقشه‌نگاران اروپایی با استفاده از نمادها و نشانه‌های ویژه، هر کدام از این پدیده‌های طبیعی را در نقشه‌هایشان متناسب با آگاهی‌هایشان و همچنین فضای ترسیمی نقشه، مورد توجه قرار می‌دادند.

در بین ده‌ها نقشهٔ جغرافیایی که هم‌زمان با عصر صفوی از ایران توسط نقشه‌نگاران اروپایی ترسیم شد، نقشهٔ ترسیمی گیوم دولیل فرانسوی از ایران و سرزمین‌های پیرامونی آن در سال ۱۷۰۲م. / ۱۱۱۳ق. یکی از مصداق‌های بارز تکاپوهای جغرافیایی اروپائیان برای شناخت جغرافیای تاریخی نواحی مختلف ایران

از جمله خلیج فارس و نواحی کرانه‌ای آن در این دوره تاریخی به شمار می‌رود. وی در این نقشه، به نام‌شناسی و مکان‌یابی مجموعه‌ای از استقرارگاه‌های جمعیتی، مانند شهرها، روستاها و آبادی‌ها و همچنین پدیده‌های طبیعی، مانند دریاها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، کوه‌ها و بیابان‌ها پرداخته است و بر اساس تفحص نویسنده، بیش از صد جای‌نام در این نقشه در جغرافیای سرزمینی مربوط به ایران بازتاب پیدا کرده است. با توجه به تراکم و تعدد جای‌نام‌ها در این نقشه، هدف مقاله پیش‌رو، تنها ارزیابی و بررسی جغرافیای تاریخی یک رودخانه در گستره ایالتی فارس است که به خلیج فارس می‌ریزد و در این نقشه با عنوان رودخانه «Bendemir» نام‌شناسی و مکان‌یابی شده است.

در نقشه دولیل، رودخانه بند امیر پهناورترین بستر رودخانه‌ای ایالت فارس است که با جهت شمال به جنوب، به خلیج فارس می‌ریزد. این نکته حاکی از اهمیت این رودخانه در جغرافیای ذهنی نقشه‌نگار است؛ زیرا اندازه نماد و نوشتار هر جای‌نام ضبط‌شده در نقشه‌ها، در مقایسه با جای‌نام دیگر، نوعی پیام را از طریق نقشه‌نگار به مخاطب منتقل می‌کند و بنابراین اندازه نوشتاری بزرگ رودخانه و نماد برجسته آن در ایالت فارس، گویای آن است که دولیل قصد داشت تا در انتقال اطلاعات نقشه به بیننده آن، بر اهمیت رودخانه‌ای با نام بند امیر در ایالت فارس تأکید نماید. با این حال، ارزیابی نه تنها منابع ایرانی معاصر با دولیل، بلکه در آثار پیشاصفوی نیز، اشاره‌ای به رودخانه‌ای با عنوان بند امیر در ایالت فارس نشده است و اکثر گزارش‌های مربوط به بند امیر در منابع ایرانی، منتسب به سازه آبی است که در دوره آل‌بویه ساخته شد و نه رودخانه‌ای به این نام. بنابراین تعارضی ادراکی بین ذهنیت گیوم دولیل از رودخانه‌ای با نام بند امیر با واقعیت‌های موجود سرزمینی ایران عصر صفوی وجود دارد که این مقاله می‌کوشد از طریق نام‌شناسی و مکان‌یابی، ادراک جغرافیایی گیوم دولیل نسبت به این رودخانه را به عنوان مسئله‌ای تاریخی بررسی کند. بنابراین، پرسش مقاله پیش‌رو آن است که «ریشه تاریخی نام بند امیر در نقشه دولیل که بر رودخانه‌ای در کرانه‌های شمالی خلیج فارس اطلاق شده چیست و تا چه اندازه مکان‌یابی وی با واقعیت‌های جغرافیایی همخوانی دارد؟».

روش پژوهش

شیوه گردآوری داده‌ها برای پاسخ بدین پرسش، کتابخانه‌ای است و روش تحقیق کاربست‌شده، توصیفی - تطبیقی است. به طوری که نویسنده برای شناخت جغرافیای تاریخی رودخانه «Bendemir» در نقشه دولیل، علاوه بر این نقشه، توانسته است مجموعه‌ای از گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی را از نوشته‌های جغرافیایی و نجومی اروپایی، نوشته‌های جغرافیایی و تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی به کار گیرد.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه این موضوع، تاکنون، جای‌نام‌شناسی «Bendimir» در نقشه گیوم دولیل، توجه محققان و پژوهشگران را به خود جلب نکرده است. پژوهش‌های صورت‌گرفته را می‌توان در دو دسته تحقیقات فارسی و غیرفارسی از یکدیگر تفکیک کرد: در بین تحقیقات فارسی، دیدگاه برخی از محققان ناظر بر اهمیت تاریخی و جغرافیایی بند امیر به عنوان سازه‌ای آبی بوده است. از جمله آنان می‌توان به مدخل «بند امیر (۱)» در *دانشنامه جهان اسلام* از کریمیان‌سردشتی (۱۳۷۷)، مدخل «بند امیر» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* از کرم‌همدانی (۱۳۸۳)، جلد نخست کتاب *بند امیر* از زارع (۱۳۸۷) اشاره کرد. در این دسته از تحقیقات، بند امیر نه به مثابه یک رودخانه، بلکه به عنوان یک سازه آبی، تاریخچه ایجاد آن در دوره آل‌بویه و تحولات بعدی آن، مورد توجه قرار گرفته است. در هیچ‌کدام از آثار این دسته از نقشه گیوم دولیل استفاده نشده است.

علاوه بر آن، در آن دسته از تحقیقات فارسی که از منظر نقشه‌های اروپایی، چهره جغرافیایی ایران یا نواحی گوناگون آن بررسی شده‌اند نیز نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه بند امیر مورد توجه نبوده است. از جمله تحقیقاتی که از منظر نقشه‌نگاری اروپایی، بخشی از نواحی مختلف ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، می‌توان به مقاله «نقشه‌نگاری و خلیج فارس: منظر صفوی» از صفت‌گل (۱۳۸۲)، کتاب *اطلس تاریخ بندر و دریانوردی ایران* از وثوقی و صفت‌گل (۱۳۹۵)، مقاله «بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولتاریوس» از ابی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، مقاله «ایالت گیلان و هیرکانی در دوره صفوی بر مبنای نقشه جغرافیایی آدام اولتاریوس در ۱۶۵۶ م. / ۱۰۶۶ ق. در تطابق با مختصر مفید» از فریدی‌مجید و همکاران (۱۴۰۱)، مقاله «قلمرو و مفهوم سیاسی ایران در نیمه نخست حکومت صفوی بر مبنای نقشه‌های تاریخی اروپایی (۱۵۱۱ - ۱۶۰۰ م. / ۹۰۷ - ۱۰۰۸ ق.)» از فریدی‌مجید و همکاران (۱۴۰۱)، مقاله «جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپائیان» از صفرزایی و ملازئی (۱۴۰۰)، مقاله «ریشه‌یابی نام دریاچه باباقنبر در ایالت خراسان بر مبنای نقشه آدام اولتاریوس از ایران عصر صفوی: یک خوانش تطبیقی و تحلیلی» از ملازئی (۱۴۰۳) و مقاله «از پدیداری تا فراموشی: سرگذشت نام چالدران در نقشه‌نگاری اروپائیان از ایران عصر صفوی» از ملازئی و فریدی‌مجید (۱۴۰۴) اشاره کرد. همان‌طور که در عنوان این دسته مشخص است، در این دسته از آثار، مناطق جغرافیایی مورد بررسی، شامل خلیج فارس و دیگر دریا‌های ایران، اردبیل، گیلان، سیستان، قندهار، مکران، دریاچه باباقنبر و چالدران بر پایه یک یا مجموعه‌ای از نقشه‌های تاریخی بوده است. در هیچ‌کدام از این آثار، جغرافیای تاریخی رودخانه «Bendimir» نه‌تنها بر مبنای نقشه دولیل، بلکه بر مبنای سایر نقشه‌های تاریخی دیگر نیز مورد ارزیابی و بررسی قرار نگرفته است. گفتنی است که در کتاب *وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی از گنجی و همکاران*

(۱۳۸۶)، نویسندگان در بخش نقشه‌های اروپایی و در هنگامه توصیف پدیده‌های طبیعی خلیج فارس، به رودخانه بند امیر به عنوان یکی از رودخانه‌هایی اشاره کرده‌اند که در برخی از نقشه‌های اروپایی بازتاب پیدا کرده، اما نام‌شناسی و مکان‌یابی این رودخانه در نقشه‌های اروپایی به عنوان مسئله‌ای تاریخی در این اثر بررسی نشده است.

علاوه بر تحقیقات فارسی، در پژوهش‌های غیرفارسی، خصوصاً آثاری که با محوریت گیوم دولیل و آثار وی نوشته شده‌اند نیز، نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه بند امیر در نقشه دولیل مورد ارزیابی قرار نگرفته است. از جمله این موارد، می‌توان به کتاب *چهره ایران: نقشه مسافرت آدام اولئاریوس^۱ به ایران از کافورته^۲ (۲۰۰۳)*، مقاله «قلمرو صوفی (صفویان): ایران در نقشه‌های اروپایی مدرن نخستین (۱۵۵۰-۱۷۰۰م.)» از کافورته و همکاران (۲۰۱۲)، مقاله «منابع دولیل در نقشه ۱۷۲۳ نواحی همجوار دریای کاسپین» از آلن^۳ (۱۹۵۶) به زبان انگلیسی، مقاله «زندگی و دستاوردهای نقشه‌نگاری فرانسوی، گیوم دولیل» از جونگ^۴ (۲۰۲۴) به زبان گره‌ای، مقاله «اصلاحات نقشه‌نگاری دولیل» از اولیویرا^۵ و سینترا^۶ (۲۰۱۹) به زبان فرانسوی و مقاله «برادران دولیل در روسیه» از گوزویچ^۷ (۲۰۲۲) به زبان انگلیسی اشاره کرد. در هیچ کدام از آثار یادشده، رودخانه بند امیر بررسی نشده است.

نقشه گیوم دولیل: نقشه‌نگار، شناسنامه عمومی و اختصاصی نقشه

گیوم دولیل (۱۶۷۵-۱۷۲۵م. / ۱۰۸۵-۱۱۴۰ق.) یکی از نقشه‌نگاران فرانسوی سده ۱۸م. / ۱۲ق.، عضو آکادمی سلطنتی پاریس (Robert Markham, 1895: 77-78) و استاد جغرافیایی لوئی پانزدهم^۸، پادشاه فرانسه بود (Jung, 2024: 3). از جمله اقدامات علمی وی در طول حیاتش می‌توان به ترسیم بیش از صد نقشه جغرافیایی از سراسر جهان، تجدیدنظر در برخی از تصورات کهن جغرافیایی، مانند حذف خشکی‌های خیالی از طریق ترسیم شکل واقعی دریای مدیترانه، کاهش گستردگی قاره آسیا و اقیانوس هند (Dahl & Gauvin, 2000: 154) و ملاقات با پتر یکم^۹ (کبیر) و سفارش چندین نقشه حدود مسکویی و دریای خزر از طرف وی به دولیل (Kuentzel - Witt, 2018: 67-68; Brown, 1979: 243-244) اشاره کرد.

1. Adam Olearius
2. Brancaforte
3. Allen
4. Jung
5. Oliviera
6. Cintra
7. Gouzévitch
8. Louis XV
9. Peter I



تصویر ۱: گیوم دولیل فرانسوی
(Oliviera, 2019: 36)

در بین تولیدات نقشه‌نگاری دولیل، شش نقشه ترسیمی وجود دارد که در آن ایران یا بخشی از آن نمایان است: ۱. نقشه جهان در سال ۱۷۰۰م. / ۱۱۱۱ق.؛ ۲. نقشه آسیا در همین سال؛ ۳. نقشه ترکیه، عربستان و ایران در سال ۱۷۰۲م. / ۱۱۱۳ق.؛ ۴. نقشه ایران مربوط به سال ۱۷۲۴م. / ۱۱۳۶ق.؛ ۵. نقشه دریایی دریای خزر در سال ۱۷۲۳م. / ۱۱۳۵ق. و ۶. نقشه دریای خزر و سرزمین‌های همجوار آن در سال ۱۷۲۳م. / ۱۱۳۴ق. مقاله پیش‌رو جغرافیای تاریخی رودخانه «بند امیر» را بر مبنای نقشه ترکیه، عربستان و ایران بررسی کرده است.^۱ این نقشه در یکی از اطلس‌های وی با عنوان *اطلس جدید*^۲ درج شده است. این اطلس شامل ۱۱۱ نقشه جغرافیایی در ابعاد نقشه جهان، نقشه قاره‌ها و نقشه اختصاصی قلمروهای سیاسی است که در بین آنان، نقشه مورد مطالعه این مقاله، هفتادوپنجمین نقشه‌ای است که دولیل بعد از نقشه آسیا و قبل از نقشه دریای خزر و مناطق پیرامونی، بدان اشاره کرده است (نقشه ۱). درباره نقشه یادشده گیوم دولیل، می‌توان اطلاعات را در دو دسته شناسنامه عمومی و اختصاصی نقشه تفکیک کرد: درباره شناسنامه نقشه، نقشه‌نگار آن گیوم دولیل است که نقشه مورد اشاره را در سال ۱۷۰۲م. / ۱۱۱۳ق. در

۱. در بین شش نقشه ترسیمی دولیل، تنها در دو نقشه ۳ و ۴ رودخانه بند امیر به‌صورت برجسته نام‌شناسی و مکان‌یابی شده است؛ در بین دو نقشه یادشده نیز، علت‌گزینش نقشه ۳ توسط نویسنده برای بررسی این رودخانه، ابهام‌آمیز بودن نام و مکان این رودخانه در مقایسه با نقشه ۴، یعنی نقشه اختصاصی ایران است؛ زیرا دولیل نقشه ۴ را حدود بیست‌وسه سال بعد از نقشه ۳ ترسیم کرد و در آن توانست آگاهی‌های جدیدی درباره نام و مکان این رودخانه ارائه و بنابراین، نام‌شناسی و مکان‌یابی آن را تاحدودی از ابهام خارج کرد، اما در نقشه ۳، نام‌شناسی و مکان‌یابی این رودخانه ابهام‌برانگیز است و بر همین اساس، مبنای کار نویسنده در این مقاله قرار گرفت.

2. Atlas Nouveau

شهر پاریس منتشر کرد. عنوان این نقشه در حاشیه چپ و پایینی نمایان است که به صورت نقشه ترکیه، عربستان و ایران^۱ نامگذاری شده است و هدف از آن، توصیف چهره جغرافیایی ایران به همراه دو سرزمین پیرامونی آن، یعنی قلمرو عثمانی و عربستان است. درباره توصیفات اختصاصی دولیل در این نقشه، می توان به تعیین حدود سرزمینی ایران در شرق تا رود جیحون، قندهار و تا نزدیکی ناحیه تته در شرق ایالت مکران، در جنوب پهنا ایران به دو دریای جنوب مکران (بدون نام) و خلیج فارس (گلف پرسیک)^۲، در محدوده شمالی تا دریای شمال ایران (کاسپین^۳) و در غرب تا ترکی^۴، کاختی^۵، سلماس^۶، غرب اهواز و تا کرانه های غربی خلیج فارس اشاره کرد. ایالت های ایران در این نقشه نیز از شرق به غرب عبارت اند از: قندهار^۷، خراسان^۸، زابلستان^۹، سیستان^{۱۰}، مکران^{۱۱}، کرمان^{۱۲}، عراق عجم^{۱۳}، فارس^{۱۴}، خوزستان^{۱۵}، لرستان^{۱۶}، طبرستان^{۱۷}، گیلان^{۱۸}، آذربایجان^{۱۹}، شیروان^{۲۰}، گرجستان^{۲۱} و داغستان^{۲۲}. علاوه بر دریاها، مجموعه ای از رودخانه ها، دریاچه ها، کوه ها و بیابان ها در بخش های مختلف ایران در این نقشه نمایان اند.

1. Carte de La Turquie De L' Arabie Et De La Perse

۲. Golfe Persiqu. شایان گفتن است جای نام هایی که در پاورقی اعمال شده اند، صورت نوشتاری آنان در نقشه دولیل است.

3. Caspiene
4. Terki
5. Salmas
6. Ahuaz
7. Candahar
8. Chorasane
9. Sablestan
10. Segestan
11. Mecran
12. Kerman
13. Irac Agemi
14. Farsistan
15. Chusistan
16. Laurestan
17. Tabaristan
18. Gilan
19. Adirbeitzan
20. Schirvan
21. Georgie
22. Dagestan

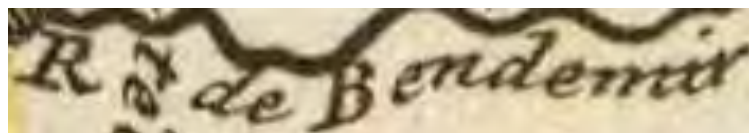


نقشه ۱: نقشه جغرافیایی گیوم دولیل از ایران و سرزمین‌های مجاور در سال ۱۷۰۲ م./ ۱۱۱۳ ق.
(Delisle, 1741: Map of 80)

نام‌شناسی رودخانه «بند امیر»

بر اساس برآورد نویسنده، در نقشه دولیل و تنها در بخش مربوط به ایران آن، دست‌کم صد جای‌نام، شامل ایالت‌ها، شهرها، آبادی‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، بیابان‌ها و دریاچه‌ها نمایان است. در میانه این جای‌نام‌ها، برای نام‌شناسی رودخانه «بند امیر»^۱، می‌بایست نواحی کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرند. نام این رودخانه در نقشه دولیل به صورت عمودی^۲ ضبط شده و شامل سه بخش به زبان فرانسوی است: بخش نخست آن حرف بزرگ «R» است که معمولاً در نقشه‌های فرانسوی، مخفف واژه فرانسوی «Rivière» به معنای رودخانه است (Littre, 1872: 1738). دومین واژه به کار رفته، «de» است که در زبان فرانسوی یک حرف اضافه و معادل «of» در زبان انگلیسی و نشانه مالکیت است (Mergault, 1973: 104). سوم، اسم خاص «Bendimir» است که اشاره به نام این رودخانه دارد. بنابراین، برگردان نام‌شناسی دولیل از فرانسوی به فارسی، معادل «رودخانه بند امیر» است.

۱. امروزه «بند امیر» نام چند دریاچه طبیعی در افغانستان و در نود کیلومتری غرب بامیان نیز هست.
۲. در نقشه (۲) نام این رودخانه توسط نویسنده برای تسهیل در مشاهده خوانندگان، به صورت افقی برگردانده شده است.



نقشه ۲: نام رودخانه «بند امیر» در نقشه گیوم دولیل

جغرافیانویسان اروپایی قبل و بعد از دولیل در عصر صفوی نیز مطابق آوانگاری وی یا بعضاً با اندک تغییراتی، این نام را در آثارشان ضبط کرده‌اند. به نظر می‌رسد که یکی از نخستین نقشه‌های اروپایی که در آن، نام بند امیر به رودخانه‌ای در ایالت فارس اطلاق شده، نقشه آبراهام اورتلیوس^۱ هلندی از ایران در سال ۱۵۷۰م./۹۷۷ق. است که به صورت نگارشی «Bindimir» در نقشه وی ضبط شده است. نام این رودخانه در نقشه آنتونیو ماجینی^۲ ایتالیایی از ایران در سال ۱۵۹۶م./۱۰۰۴ق. به صورت «Bindimir» (جدول ۱، ردیف ۱ و ۲)، در نقشه آدام اولتاریوس^۳ آلمانی از ایران در سال ۱۶۵۶م./۱۰۶۶ق. به صورت «Bondimir» (جدول ۱، ردیف ۳)، در فرهنگنامه جغرافیایی تی‌ونت^۴ فرانسوی در سال ۱۶۷۴م./۱۰۸۴ق. و در سفرنامه دی بروین^۵ هلندی در سال ۱۷۳۷م./۱۱۴۹ق. به صورت «Bindimir» (جدول ۱، ردیف ۴ و ۵) و در یک فرهنگنامه جغرافیایی انگلیسی در سال ۱۷۳۸م./۱۱۵۰ق. به دو صورت «Bendemir» و «Bondemir» ضبط شده است (جدول ۱، ردیف ۶).

جدول ۱: مقایسه نام رودخانه «بند امیر» در نقشه دولیل با سایر منابع اروپایی

ردیف	سال	نام ضبط شده	منبع
۱	۱۵۷۰م./۹۷۷ق.		نقشه آبراهام اورتلیوس هلندی از ایران Ortelius, 1570: 314
۲	۱۵۹۶م./۱۰۰۴ق.		نقشه آنتونیو ماجینی ایتالیایی از ایران Magini, 1596: Map of 56
۳	۱۶۵۶م./۱۰۶۶ق.		نقشه آدام اولتاریوس آلمانی از ایران Olearius, 1656: 779
۴	۱۶۷۴م./۱۰۸۴ق.		فرهنگنامه جغرافیایی تی‌ونت فرانسوی Thévenot, 1674: 238
۵	۱۷۳۷م./۱۱۴۹ق.		سفرنامه دی بروین از ایران Bruyn, 1737: 63
۶	۱۷۳۸م./۱۱۵۰ق.		فرهنگنامه جغرافیایی انگلیسی Anonymous, 1738: Part BE

1. Abraham Ortelius
2. Antonio Magini
3. Adam Olearius
4. Thévenot
5. De Bruyn

تطبیق جدول بالا با نحوه نام‌شناسی دولیل از رودخانه «بند امیر»، گویای دو نکته اساسی است؛ نخست آنکه، اطلاق نام «بند امیر» به رودخانه‌ای در کرانه‌های شمالی خلیج فارس، ابتکار دولیل نیست و سایر نقشه‌نگاران و جغرافیایانویسان قبل و بعد از وی در اروپا نسبت به وجود رودخانه‌ای با این نام آگاهی داشته‌اند. دوم آنکه، نحوه آوانگاری نام این رودخانه علاوه بر آنچه که در نقشه دولیل به صورت «Bendimir» آمده، متناسب با آگاهی و ملیت نقشه‌نگار و همچنین گذشت زمان، به صورت‌های دیگری، از جمله «Bindimir» و «Bondimir» ضبط می‌شد.

با مشخص شدن نحوه نامگذاری رودخانه مذکور در نقشه دولیل، آنچه که اهمیت پیدا می‌کند، ریشه‌یابی نام برگزیده دولیل برای اطلاق بدین رودخانه است. در واقع بخش اصلی این نام، استفاده از اسم خاص «بند امیر» است. برای تحقیق و تفحص درباره این نام، ضرورت دارد تا منابع تاریخی و جغرافیایی ایرانی و تحولات جغرافیایی مربوط به ایالت فارس و کرانه‌های شمالی خلیج فارس مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. نتیجه بررسی منابع، گویای آن است که در منابع ایرانی، «بند امیر» اشاره به نام یک سازه آبی دارد که مورخان و جغرافیایانویسان ایرانی از سده‌های میانه تاریخ ایران تا دوره معاصر، عظمت و بزرگی آن را ستایش کردند. مقدسی در سده ۴ق. از عبارت «از شگفتی‌های دیدنی فارس» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۶۶۱)، ابن بلخی در سده ۸ق. از عبارت «در جهان مانند آن نیست» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۶۲)، حمدالله مستوفی در سده ۸ق. از جمله «در جهان مثل آن عمارت نیست از محکمی و نیکویی» (مستوفی، ۱۳۹۶: ۲/ ۹۹۷)، حافظ ابرو در سده ۹ق از «در جهان مانند آن بندی نشان نمی‌دهند» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۶۵) و فسایی در دوره قاجاریه از «قلم از تحریر و زبان از تقریر پهنا و درازا و بلندی و استواری آن عاجز است» (فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۵۳) برای بیان شکوه و عظمت این بند استفاده کرده و برخی دیگر آن را به مثابه یک «کوه در دریا» (فرصت‌شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۱۳) تشبیه کرده‌اند. سابقه ساخت این بند به دوره عضدالدوله بویه‌ی بازمی‌گردد و مقدسی درباره چگونگی تأسیس آن چنین اشاره‌ای دارد:

عضدالدوله بر رودخانه‌ای که میان شیراز و استخر هست با دیواری بلند، بندی بسته که زیرسازی آن از سرب می‌باشد؛ آب پشت این سد بالا آمده و دریاچه ساخته است؛ در دو سوی آن همانند آنچه در خوزستان گفتم، ده دولاب نهاده شده که زیر هر دولاب، آسیابی سوار شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۶۶۱).

ابن بلخی نیز در فارسنامه شکل دیگری از این روایت را آورده:

نواحی کربال پیش از این بند، صحرا بود بی‌آب و عضدالدوله تقدیر کرد کی چون این بند بساخت، آب رود کُر بر آن صحرا عظیم می‌گرفت، پس مقدار آن را و صانع آن را بیاورد و مال‌ها بسیار بذل کرد تا مصرف آب ساختند از چپ و راست رود کُر پس شادروانی عظیم کرد از سنگ و صهروج در پیش و پس بند و آنگه این بند برآورد از معجون صهروج و ریگ ریزه چنانک آهن بر آن کار نکند و هرگز آن را خللی نرسد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۶۲).



تصویر ۲: بند امیر در فارس
(رضا و دیگران، ۱۳۵۰: ۲۳۴-۲۳۶)

حال نکته قابل توجه آن است که نام «بند امیر» چه خاستگاهی داشته و متأثر از چه عواملی به مثابه نام یک رودخانه در نقشه گیوم دولیل و در کرانه‌های شمالی خلیج فارس پدیدار شده است؟ ارزیابی نوشته‌های تاریخی گویای آن است که نام برگزیده دولیل، شامل دو بخش «بند» و «امیر/میر» است که نام‌شناسی آن، اشاره به یک بندی دارد که به شخصی به نام امیر منسوب بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۴/۱۳۷۹). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نام خاص بند امیر در نقشه دولیل نیز از دو بخش «Bend» یعنی «بند» و «emir» یعنی «امیر» تشکیل شده که اسم خاص «بند امیر» را شکل می‌دهد. فیگوتروا^۱ در عصر صفوی، درباره ویژگی‌های رودخانه بند امیر که در نقشه دولیل نیز با همین نام شناخته شده، چنین آورده: «بستر آن کم‌عرض و بلکه بسیار تنگ و کناره‌هایش بلند است. آبش همچون بیشتر رودخانه‌های بزرگ، گل‌آلود؛ اما سالم و گوارا است... در این رودخانه، ماهی‌های مرغوب و لذیذ، فراوان است» (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۱۶۷). همان‌طور که از نام به کار برده شده دولیل مشخص است، این جای نام بر انتساب نام برگزیده رودخانه بند امیر به یک سازه آبی تأکید دارد که ساخت آن منتسب به یک شخص است. درباره اینکه منظور از امیر در این جای نام چه کسی است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ مشهورترین دیدگاه رایج در بین مورخان و جغرافیایانویسان، تأکید بر انتساب این بند به عضدالدوله بویه‌ی است و در اینجا، امیر یک لقب برای عضدالدوله به کار می‌رود (فسایی، ۱۳۸۲: ۱/۳۰؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۱۷؛ غفاری‌کاشانی، ۱۴۰۴: ق: ۱۲۷؛ گیلانی، ۱۳۵۲: ۷۸).

بر همین اساس، نام دیگر این بند در برخی از منابع، با عنوان «بند عضدی» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۶۲) نیز آمده است تا بر انتساب آن به عضدالدوله، تأکید شود. گویا قدمت نام بندعضدی بیشتر از بند امیر بوده است؛ زیرا حافظ ابرو، می‌نویسد: «دیگر بند عضدی است که حالا به بند امیر معروف است» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۶۵). جدول (۲) نیز نشان می‌دهد که گرایش جغرافیائونویسان و مورخان در ابتدا برای اطلاق عنوان بند عضدی به این سازه آبی بیشتر بود تا اینکه به تدریج، نام بند امیر غلبه بیشتری پیدا کرد (جدول ۲).

جدول ۲: نام بند امیر در منابع ایرانی و اسلامی

ردیف	سال هجری	نام ضبط شده	منبع
۱	سده ششم	بند عضدی	فارسنامه ابن بلخی ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۶۳
۲	سده هشتم	بند عضدی / بند امیر	نزهةالقلوب حمدالله مستوفی مستوفی، ۱۳۹۶: ۲ / ۹۵۹ و ۱۰۰۰
۳	سده نهم	بند عضدی / بند امیر	جغرافیای حافظ ابرو حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۶۵
۴	سده دهم	بند امیر	احسن‌التواریخ روملو روملو، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۴۸
۵	سده یازدهم	بند امیر	مختصر مفید مستوفی یزدی مستوفی یزدی، ۱۳۹۰: ۳۱۴
۶	سده سیزدهم	بند امیر	فارسنامه ناصری از فسایی فسایی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۴۵۳
۷	سده چهاردهم	آب بند امیر	منجم‌العمران از خانجی خانجی، ۱۳۲۵ ق: ۱ / ۱۱

علاوه بر اطلاق عنوان امیر به عضدالدوله، دیدگاه دوم تحت تأثیر برخی از باورهای دینی مردم ناحیه مورد نظر است که این بند را به امام علی^(ع) منتسب دانسته‌اند. در تاریخ‌القی دربارۀ آن، چنین آمده: «عوام الناس آن دیاران، بند را نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌دهند و از معجزات آن حضرت می‌دانند» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۹۴۰). بر اساس گزارش اولتاریوس، این دیدگاه یکی از باورهای عامیانه رایج در بین مردم ناحیه مورد نظر در عصر صفوی بود (Olearius, 1656: 711)، اما دلّواله^۱ در همان دوره، این باور اجتماعی و دینی در بین مردم ناحیه مورد نظر را نقد و اذعان داشت که چون امیر لقبی مشهور برای امام علی^(ع) بوده است، مردم نیز به اشتباه این بند را منتسب به ایشان می‌دانند (Della Valle, 1658: 298).

در دیدگاه سوم، این انتساب نه به شخص عضالدوله بویه‌ی و امام علی^(ع)، بلکه به فردی دیگر که نام امیر داشته، اطلاق می‌شد؛ برخی وی را استادی می‌دانند به نام امیر که به فرمان عضالدوله این بند را ساخت (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۹۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۴۳/۲) و برخی دیگر، «امیر» را مرد مسافری می‌دانند که با اراده خود این بند را بنا کرد (تبریزی، ۱۳۴۲: ۱/۳۰۶). جدای از اینکه کدام‌یک از دیدگاه‌های سه‌گانه بالا صحیح است، آنچه مسلم است اینکه نام انتخابی دولیل را می‌توان در طبقه‌بندی جای‌نام‌ها، در ذیل جای‌نام‌های مالکیتی^۱ قرار داد؛ این گونه جای‌نام‌ها، شامل نام‌هایی هستند که نوعی انتساب مالکیت یا وابستگی جای‌نام را به یک فرد و شخص یادآوری می‌کنند (Stewart, 1970: xixx). بنابراین، در طبقه‌بندی جای‌نام‌ها، نام بند امیر در نقشه دولیل را می‌توان ذیل طبقه جای‌نام‌های مالکیتی قرار داد؛ یعنی جای‌نامی است که ایجاد آن را به یک شخص و فرد، مانند عضالدوله یا دیگران منتسب می‌کردند.

با مشخص شدن وجه تسمیه نام بند امیر در نقشه دولیل، پرسش بعدی آن است که اطلاق این نام به یک رودخانه در نقشه وی تا چه اندازه مطابق با واقعیت‌های زمانه عصر صفوی بوده است؟ همچنین از آنجا که دولیل برای ترسیم نقشه‌هایش شخصاً به ایران نیامده، وی متأثر از چه منابع تاریخی، رودخانه یادشده را با عنوان «بند امیر» نامگذاری کرد؟

برای پاسخ به دو پرسش طرح‌شده، ضرورت طرح بحثی درباره پیشینه نامگذاری این رودخانه ایجاد می‌شود. در دوره پیش از اسلام، نام‌های مختلف سیروس (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۰-۱۰۱)، ارس (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۱۶۸) و آراکسس (Olearius, 1656: 645) به رودخانه بند امیر داده شد. با ورود به دوره اسلامی و در سده‌های نخستین آن، نام رود سگان به رودخانه بند امیر اطلاق گردید. اصطخری در سده ۴ق. و به عنوان یکی از ساکنان محلی این محدوده جغرافیایی، نام رودخانه سگان را تحت تأثیر نام موضعی جغرافیایی به نام «سک» در حاشیه این رودخانه دانسته است (اصطخری، ۲۰۰۴: ۷۴). اطلاق این عنوان به نام رودخانه، تا سده‌های میانه تاریخ ایران نیز استمرار پیدا کرد که البته تغییراتی در شکل نوشتاری آن ایجاد شد؛ به طوری که حمدالله مستوفی از آن با عنوان «آب زکان» یاد کرد (مستوفی، ۱۳۹۶: ۱۳۹۷/۲). هم‌زمان با دوره صفوی و حتی در سال‌های نزدیک به آغاز این دوره، به تدریج اطلاق عنوان «بند امیر» تحت تأثیر شهرت تاریخی نام بند امیر، به این رودخانه داده شد؛ با طرح این نکته که چنین نامگذاری، عمدتاً در سفرنامه‌های اروپایی بسامد قابل توجهی پیدا کرد و نه منابع ایرانی. سفرنامه‌نویسان ونیزی اوایل دوره صفوی در توصیف آن چنین نوشتند «بند امیر، رودی است دیدنی و بزرگ» (امیری، ۱۳۸۱: ۹۷). فیگوتروا نیز نام این پدیده طبیعی را «رودخانه بند امیر» دانسته و آن را با یکی از رودخانه‌های اسپانیا به نام خنیل^۲

1. Possessive Names

2. Genil

مقایسه کرد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۶۸). همچنین شاردن، چنین گزارش نموده که در حال حاضر، نام آن، رودخانه بند امیر است (شاردن، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۳۷۹). حتی بعد از دوره صفویه، اطلاق عنوان «بند امیر» بدین رودخانه در منابع اروپایی استمرار پیدا کرد (نیبور، ۱۳۵۴: ۷۳). علاوه بر موارد یادشده، در منابع اروپایی عصر صفویه، عنوان رودخانه «مایین» نیز بدین پدیده طبیعی داده می‌شد؛ زیرا از کنار ناحیه مایین عبور می‌کرد (Thévenot, 1687: 122).

با توجه به عدم اشاره منابع ایرانی به وجود رودخانه‌ای با عنوان بند امیر و تأکید منابع اروپایی از جمله سفرنامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که درک جغرافیایی دولیل از نام بند امیر به عنوان نام یک رودخانه در کرانه‌های شمالی خلیج فارس، تحت تأثیر آگاهی‌های جغرافیایی بود که سفرنامه‌نویسان اروپایی از ایران به اروپا منتقل کردند. بنابراین، گزارش‌های سفرنامه‌ای را می‌توان به عنوان مهم‌ترین منبع مورد استفاده دولیل برای نام‌شناسی رودخانه بند امیر تلقی کرد، چراکه در منابع ایرانی و اسلامی، چنین نامی برای اطلاق به رودخانه مورد نظر رایج نبود. نکته دیگر آنکه، اطلاق عنوان «بند امیر» به رودخانه‌ای در کرانه‌های شمالی خلیج فارس تحت تأثیر شهرت تاریخی این بند در ایالت فارس بود؛ زیرا همان‌طور که در گزارش‌های مقدسی، ابن بلخی، حمدالله مستوفی، حافظ ابرو و فسایی اشاره شد، این بند یک سازه آبی مشهور و برجسته بود که گذشت زمان طی سده‌ها از اهمیت و اعتبار آن فرو نکاست. بنابراین، دولیل متأثر از شهرت تاریخی بند امیر، این نام را برای اطلاق به رودخانه‌ای که در کرانه‌های شمالی خلیج فارس بود، اطلاق کرده است.

مکان‌یابی رودخانه «بند امیر»

بعد از بررسی نام‌شناسی رودخانه بند امیر در نقشه دولیل، در اینجا با بررسی سرچشمه، مسیر و مصب این رودخانه، باید مشخص کرد که منظور نقشه‌نگاران از رودخانه بند امیر کجاست؟ آیا در جغرافیای ذهنی وی، رودخانه بند امیر هویت جغرافیایی مستقلی داشته یا اینکه هدف وی مکان‌یابی رودخانه دیگری در ایالت فارس با نامگذاری جدید بوده است؟ در نخستین گام برای پاسخ بدین پرسش‌ها باید مشخص کرد که آیا در نگرش منابع ایرانی نسبت به جغرافیای تاریخی کرانه‌های شمالی خلیج فارس، رودخانه‌ای با نام «بند امیر» در موقعیت مکانی مورد اشاره دولیل وجود داشته یا خیر؟

در منابع ایرانی پیشاصفوی و صفوی، نامی از رودخانه بند امیر با موقعیت مکانی یادشده نیست. در طرح تقسیم‌بندی نویسندگان *حدودالعالم من المشرق و المغرب* (۱۳۷۲: ۱۴۱-۱۶۶) در سده ۴ق، *جهان‌نامه* (بکران، ۱۳۴۲: ۵۴-۶۲)، *تقویم‌البلدان* (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۶۰-۷۸) در سده ۸ق. و *جغرافیای حافظ ابرو* (۱۳۷۵: ۱ / ۱۳۷-۱۷۴) در سده ۹ق. اشاره‌ای به رودخانه‌ای با عنوان بند امیر در بین رودخانه‌های مشهور نیست. همچنین در توصیفات جغرافیایی از ایالت

فارس در *صورة الارض* (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۴-۴۵)، *احسن التقاسیم* (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۶۲۹-۶۸۲)، *اشکال العالم* (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۵-۱۶۰) و *مسالك و ممالک* (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۵-۱۳۸) در سده ۴ق. و همچنین مختصر مفید (مستوفی یزدی، ۱۳۹۶: ۳۰۵-۳۳۰) و *خاتمه شاهد صادق* (صادقی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۵۰) در دوره صفوی، نامی از توصیف مکانی رودخانه بند امیر نیست. در نوشته‌های تاریخ‌نگاری دوره صفوی نیز هر جا که به «بند امیر» اشاره شده (روملو، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۴۸؛ قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۳۴)، منظور بند مشهور منسوب به عضدالدوله بویه‌ای است و نه رودخانه‌ای به این نام.

از آنجا که جغرافیانویسان و مورخان ایرانی به جای نام مورد اشاره گیوم دولیل در مقایسه با نقشه‌نگاران اروپایی نزدیک‌تر بودند، بعید است از رودخانه‌ای بی اطلاع بوده باشند که نقشه‌نگاری مثل گیوم دولیل که هیچ‌گاه به ایران سفر نکرد و فرسنگ‌ها دورتر از ایران و در پاریس نقشه‌اش را ترسیم کرد، نسبت بدان اطلاع داشته باشد؛ نتیجه آنکه رودخانه مورد اشاره دولیل با عنوان «بند امیر»، هویت جغرافیایی مستقلی نداشت و یکی از همان رودخانه‌های موجود در ایالت فارس بود که دولیل تحت تأثیر شهرت تاریخی بند امیر، آن را با عنوان جدید «رودخانه بند امیر» مکان‌یابی کرد. دلاواله برخلاف سایر اروپائیان، مانند فیگوئروا و شاردن^۱، در همان عصر صفویه متوجه این خطای ادراکی شد و در نقد یکی از گزارش‌های اروپایی درباره اطلاق عنوان رودخانه به بند امیر، چنین آورده است: «فیلیپو فرآری در اثر *Epitome Geographie* نام بند امیر را به رودخانه نسبت می‌دهد اما او در اشتباه است؛ چراکه بند امیر نام پل است و نه نام رودخانه» (Della Valle, 1658: 298).

ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که در مکان‌یابی جای‌نام‌های ایران در نقشه‌های اروپایی، از جمله نقشه دولیل، آشفتگی‌های نسبی در نحوه مکان‌گزینی‌ها، پدیده‌ای دور از ذهن نیست؛ زیرا در زمانه عصر صفوی، ابزارهای کسب اطلاعات جغرافیایی درباره موقعیت دقیق مکان‌ها، بسیار ساده‌تر از امروز بود و مهم‌تر از آن، عمده ترسیمات نقشه‌نگاری از چهره جغرافیایی ایران عصر صفوی از منظر اروپایی، برخلاف سفرنامه‌نویسان، حاصل مشاهدات میدانی، مستقیم و تجربی نقشه‌نگاران نبودند؛ چراکه نقشه‌نگاران در مقایسه با سفرنامه‌نویسان، به مراتب کمتر وارد ایران می‌شدند و معمولاً در همان شهرهای اروپایی، متناسب با آگاهی‌های جغرافیایی به دست آمده قدیم و جدید، نقشه‌های ایران را ترسیم و به مکان‌یابی هر موضع جغرافیایی آن اقدام می‌کردند؛ بر همین اساس، خوانش مکانی رودخانه بند امیر در نقشه دولیل را می‌بایست با در نظر گرفتن این ملاحظه و از یک منظر عمومی‌تر مورد بررسی قرار داد.

این رودخانه در نقشه دولیل جهت شمال به جنوب دارد و به صورت عمومی در میانه ایالت فارس به سمت خلیج فارس عبور کرده است. سرچشمه این رودخانه در میانه دو ناحیه مابین^۱ و اصطخر^۲ است که با جهت جنوبی به شهر شیراز^۳ می‌رسید و از داخل این شهر عبور می‌کرد؛ سپس از غرب فسا^۴ و شرق کازرون^۵ به سمت نواحی غربی جهرم^۶ ادامه پیدا می‌کند و به خلیج فارس^۷ می‌ریخت (نقشه^۳).

شماره	موقعیت جغرافیایی
۱	اصطخر
۲	مابین
۳	شیراز
۴	کازرون
۵	فسا
۶	خفر
۷	جهرم
۸	بنارو
۹	بریز
۱۰	لار
۱۱	جزیره لاوان
۱۲	دماغه نای‌بند
۱۳	جزیره ریشهر



نقشه^۳: مکان‌یابی رودخانه بند امیر در نقشه دولیل

از آنجا که نقشه ترسیمی دولیل نقشه‌ای منطقه‌ای، یعنی توصیف ایران به همراه سرزمین‌های مجاور آن است، مجال برای نام‌شناسی و مکان‌یابی جای‌نام‌های گمنام‌تر فراهم نشده است و با توجه به فضای ترسیمی کم و در عین حال محدوده جغرافیایی پهناور، امکانی برای نقشه‌نگار جهت توصیف مکان هر پدیده جغرافیایی وجود نداشت. بر همین اساس، در مکان‌یابی این رودخانه در نقشه دولیل، تنها به مواضع

1. Main
2. Istachr
3. Schiras
4. Passa
5. Kazarun
6. Jarron
7. Golfe Persique

دریاچه بختگان را مصب رودخانه کُر دانسته‌اند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۰۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۶۶؛ مستوفی، ۱۳۹۶: ۱۰۰۰/۲) که تاکنون نیز همین‌طور است (جعفری، ۱۳۸۴: ۲ / ۳۸۶-۳۸۸). در حالی که دریاچه بختگان در ضلع شرقی شهر شیراز قرار داشت و با در نظر گرفتن آن، رود کُر در آنجا خاتمه پیدا می‌کرد (نقشه ۵)؛ این در حالی است که بیشترین مسافت رودخانه موسوم به «بند امیر» در نقشه دولیل بعد از عبور از شیراز تا خلیج فارس بود. بنابراین می‌توان فرضیه انطباق رودخانه بند امیر در نقشه دولیل را با رودخانه کُر رد کرد. علاوه بر گیوم دولیل، این خطای ادراکی در میانه دیگر جغرافیانویسان اروپایی نیز رایج بود؛ برای نمونه، داپر^۱، یکی از مورخان و جغرافیانویسان هلندی سده ۱۷ م. / ۱۱ ق.، در تألیف یک اثر جغرافیایی درباره آسیا رودخانه کُر را با رودخانه بند امیر یکی دانسته است (Daper, 1672: 58).

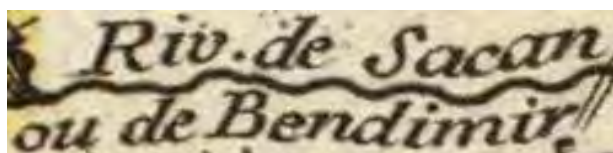
دومین نکته اساسی، تطبیق جهت جغرافیایی رودخانه بند امیر با رودخانه کُر و سگان است. رودخانه کُر جهت شمال غربی به جنوب شرقی دارد، اما در نقشه دولیل، جهت رودخانه بند امیر از شمال شرق متمایل به جنوب غرب است که این نکته، همخوانی بیشتری با رودخانه سگان دارد (نقشه ۵)؛ زیرا رودخانه سگان برخلاف رودخانه کُر به خلیج فارس می‌ریخت (اصطخری، ۲۰۰۴: ۷۴؛ مستوفی، ۱۳۹۶: ۲ / ۹۹۷)؛ یعنی منطبق با مکان‌یابی‌ای که گیوم دولیل از رودخانه بند امیر انجام داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



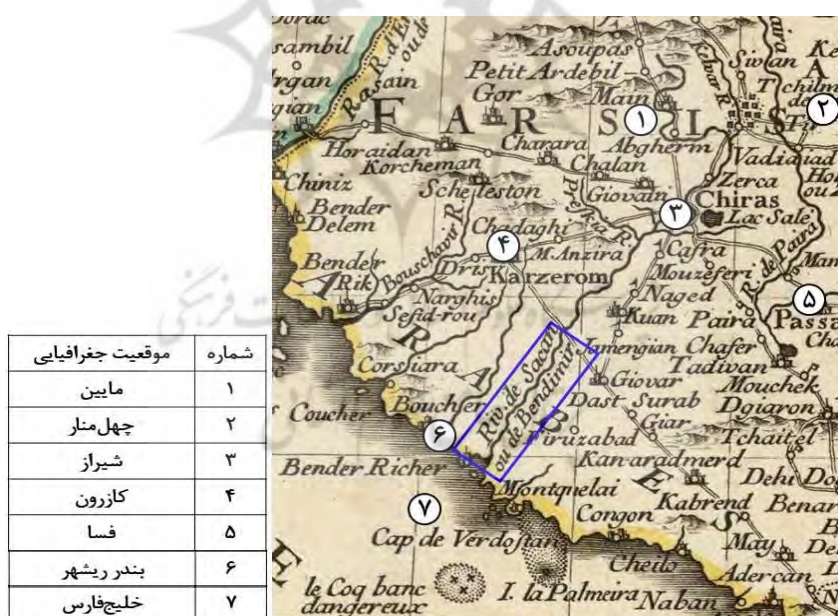
نقشه ۵: بازترسیم مکان‌یابی رودخانه بند امیر (سکان) در نقشه دولیل و تفاوت آن با رودخانه کر (تأکید از نویسنده است)

اما سومین نکته که می‌توان انطباق رودخانه بند امیر با رودخانه سکان را در جغرافیای ذهنی دولیل تصدیق نماید، مربوط به نقشه‌ای است که خود گیوم دولیل حدود بیست‌وسه سال بعد از نقشه مورد بررسی این مقاله، در سال ۱۷۲۴م. / ۱۱۳۷ق. ترسیم کرد که این بار در آن تنها محدوده سرزمینی ایران نمایان است. در این نقشه و در همان موقعیت جغرافیایی نقشه قبلی، رودخانه بند امیر مکان‌یابی شده است، با این تفاوت که وی در کنار نام رودخانه بند امیر از نام دیگری نیز استفاده کرده است (نقشه ۶).



نقشه ۶: نام رودخانه بند امیر در نقشه ایران از دولیل در سال ۱۷۲۴م. / ۱۱۳۷ق. (Delisle, 1731)

از آنجا که در میانه این نام‌شناسی از کلمه «ou» به معنای «یا» در زبان فرانسوی استفاده شده (French – English Dictionary, 2016: 902)، می‌توان نتیجه گرفت که دلیل در این نقشه قصد داشته تا دو نام را برای یک رودخانه در نظر گیرد؛ بخش دوم این نام همان رودخانه بند امیر است که در نقشه قبلی وی نیز نمایان بود، اما آنچه که در این نقشه مبتکرانه است، نامی است که در بخش اول به صورت «Riv. De Sacan» به کار رفته است. در این نام «Riv.» مخفف واژه فرانسوی «Rivière» به معنای رودخانه (Littré, 1872: 1738) و «de» است که در زبان فرانسوی یک حرف اضافه و معادل «of» در زبان انگلیسی و نشانه مالکیت است (Mergault, 1973: 104). این دو واژه به عنوان پیشوندهای نام خاص «Sacan» به کار رفته‌اند که تطبیق این نام با منابع جغرافیایی ایرانی، نمایان می‌سازد که منظور از آن «سکان» بوده است. سکان یک ناحیه جغرافیایی در فارس و در حاشیه رودخانه مورد نظر بوده که اصطخری در سده ۴ ق. آن را دهی به نام «سک» (اصطخری، ۲۰۰۴: ۷۴) و حمدالله مستوفی آن را در سده ۸ ق. به صورت «زکان» نام‌شناسی کرده‌اند (مستوفی، ۱۳۹۶: ۲/۹۹۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که منظور گیوم دلیل از رودخانه بند امیر در نقشه سال ۱۷۰۲ م./۱۱۱۳ ق. نیز همان رودخانه سکان یا قره‌آجاج بعدی است که وی متأثر از شهرت تاریخی بند امیر در ایالت فارس، آن را بدین نام مکان‌یابی کرد.



نقشه ۷: نام‌شناسی و مکان‌یابی نقشه ۱۷۲۴ م./۱۱۳۶ ق. گیوم دلیل از ایران

(Delisle, 1731)

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین نتایج گسترش مناسبات ایران و اروپا، شکل‌گیری وضعیت جدیدی از تکاپوهای اروپایی برای گسترش دامنه اطلاعات جغرافیایی‌شان از ایران بود که این بار در بستر نقشه‌های جغرافیایی، نمود برجسته‌ای پیدا کرد. این نقشه‌ها درباره نحوه نگرش اروپائیان نسبت به ایران از اهمیتی ویژه برخوردارند و می‌توان این گونه منابع را همپای سفرنامه‌ها، جزو بسترهای شناخت منظر اروپایی ایران تلقی کرد. علاوه بر تعداد، اهمیت این نقشه‌ها زمانی بیشتر نمایان می‌شود که توجه به جزئیات مندرج در آنان، زمینه‌های گوناگونی درباره ویژگی‌های جغرافیایی ایران و نواحی مختلف آن را فراهم می‌سازد؛ از شناخت گستره سرزمینی ایران و تقسیم‌بندی ایالت‌های آن گرفته تا توصیف چهره طبیعی و جای‌نام‌های مختلف شامل شهرها، آبادی‌ها و روستاها تا توصیف راه‌ها و پراکندگی گروه‌های قومی و جمعیتی در ایران. مقاله پیش‌رو در بین ده‌ها نقشه جغرافیایی با ویژگی‌های یادشده تنها یک نقشه جغرافیایی از ایران و سرزمین‌های پیرامونی آن را برگزید که در ابتدای سده ۱۸م. / ۱۲ق. در پاریس توسط گیوم دولیل منتشر شد. در بین بیشتر از صد جای‌نام ضبط‌شده در این نقشه و در محدوده جغرافیایی ایران، این مقاله تنها یک جای‌نام را مورد بررسی قرار داد که با عنوان رودخانه بند امیر در کرانه‌های شمالی خلیج فارس بود.

برآورد مقاله نشان داد که نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه‌ای موسوم به بند امیر در نقشه دولیل، خطایی ادراکی توسط اروپائیان از این پدیده طبیعی بود که با واقعیت‌های جغرافیایی همخوانی نداشت؛ زیرا در منابع ایرانی، اشاره‌ای به نام و توصیف مکانی رودخانه‌ای با نام «بند امیر» در کرانه‌های شمالی خلیج فارس نشده است. در بخش نام‌شناسی، این مقاله نشان داد که این رویکرد تنها منحصر به نقشه دولیل نبود؛ بلکه در میان سایر اروپائیان از جمله سفرنامه‌نویسان، جغرافیانویسان و سایر نقشه‌نگاران نیز امری رایج و پذیرفته‌شده بود. خاستگاه این نام و ظهور آن در نقشه دولیل، تحت تأثیر شهرت تاریخی و جغرافیایی بند و سد امیر منسوب به عضدالدوله بویه در سده ۴ق. بود که تا دوره معاصر، توصیف شهرت آن در بین مورخان و جغرافیانویسان ایرانی، تداوم پیدا کرد. بنابراین، نام «بند امیر» در نقشه دولیل را می‌توان در طبقه‌بندی جای‌نام‌ها، در ذیل جای‌نام‌های مالکیتی قرار داد که در آن بر چگونگی انتساب نام یک پدیده جغرافیایی به نام یک شخص و فرد - در اینجا عضدالدوله بویه (یا امام علی^(ع) و شخصی به نام امیر) - تأکید می‌شود. همچنین، یادآوری عنوان «بند امیر» به عنوان نام یک رودخانه در کرانه‌های شمالی خلیج فارس در نقشه دولیل و عدم رواج آن در منابع ایرانی، حاکی از تعارض در ادراک جغرافیایی اروپائیان - در اینجا گیوم دولیل - نسبت به چهره جغرافیایی ایران عصر صفوی است که شهرت بند امیر، توانسته است عامل اصلی چنین خطایی در جغرافیای ذهنی نقشه‌نگار باشد.

در بخش مکان‌یابی نیز مشخص شد که هدف دلیلی از مکان‌یابی رودخانه موسوم به «بند امیر» نه صرفاً توصیف یک رودخانه با هویت جغرافیایی مجزا، بلکه مکان‌گزینی یکی از همان رودخانه‌های کرانه‌های شمالی خلیج فارس بود که با نام جدید «بند امیر» در نقشه‌وی بازتاب پیدا کرد. یافته‌ها از طریق تطبیق نحوه مکان‌یابی دلیلی با سایر منابع، از جمله: گزارش سفرنامه‌نویسانی چون دلاواله، منابع ایرانی و حتی ابزارهای امروزی، مانند «Google Earth» نشان داد که رودخانه «بند امیر» در نقشه‌دلیلی، همان رودخانه سگان بود که امروزه با عنوان «قره‌آغاج» و ادامه آن، یعنی رودخانه «مند» شناخته می‌شود. این انطباق در نخستین گام در نتیجه ناهمخوانی رودخانه «بند امیر» با رودخانه کُر صورت پذیرفت که بند و سد مشهور بند امیر بر آن بسته شده بود؛ زیرا رودخانه کُر نه تنها از لحاظ جهت جغرافیایی با رودخانه بند امیر در نقشه‌دلیلی منطبق نیست، بلکه مصب این دو رودخانه، کاملاً از یکدیگر متفاوت است، چراکه مقصد نهایی رودخانه کُر از گذشته تاکنون، دریاچه بختگان بوده، اما مصب رودخانه «بند امیر» در نقشه‌دلیلی خلیج فارس بود. علاوه بر تطبیق مکان‌یابی رودخانه «بند امیر» در نقشه‌دلیلی با رودخانه سگان (قره‌آغاج بعدی) در نقشه‌های «Google Earth»، اضافاتی که دلیلی در یکی از نقشه‌های بعدی خود درباره اینکه نام دیگر رودخانه «بند امیر» سگان است، این انطباق را تصدیق کرد. در مجموع، تجربه نام‌شناسی و مکان‌یابی رودخانه «بند امیر» در نقشه‌دلیلی، گویای تضاد بین جغرافیای ذهنی نقشه‌نگار با واقعیت‌های جغرافیایی در ایران عصر صفوی بوده است.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه ابن بلخی*. به کوشش گای لسترنج و رینولد ال نیکلسون. تهران: اساطیر
- ابی زاده، سامان؛ پیربابائی، محمدتقی و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۸). بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولتاریوس. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۴ (۴)، ۷۱-۸۲.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم محمد (۲۰۰۴). *المسالك والممالك*. قاهره: الهیئه العامه لقصور الثقافه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. به کوشش محمد معین. تهران: کتابفروشی سینا.
- تتوی، قاضی احمد و قزوینی، آصف خان (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*. ترجمه غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*. به کوشش صادق سجادی و علی آل داوود. تهران: میراث مکتوب.
- خانجی، محمدامین (۱۳۲۵ ق.). *منجم العمران فی المستدرک علی معجم البلدان*. قاهره: مطبعه السعادت.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۲). *مآثرالملوک*. به کوشش هاشم محدث. تهران: رسا.
- رضا، عنایت‌الله؛ کورس، غلامرضا؛ امام‌شوشتری، محمدعلی و انتظامی، علی اکبر (۱۳۵۰). *آب و فن آبیاری در ایران باستان*. تهران: وزارت آب و برق
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- زارع، احمدرضا (۱۳۸۷). *بند امیر*. قم: هدهد.
- امیری، منوچهر [ترجمه] (۱۳۸۱). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. تهران: خوارزمی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱). *مجمع‌الانساب*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۲). *نقشه‌نگاری و خلیج فارس: منظر صفوی*. *مجله تخصصی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۴ (۵)، ۲۱۵-۲۳۰.
- صفرزایی، عبدالله و یاسر ملازئی (۱۴۰۰). *جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپائیان*. *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۱۳ (۲)، ۹۵-۱۱۸.
- غفاری کاشانی، قاضی احمد (۱۴۰۴ ق.). *تاریخ نگارستان*. به کوشش مرتضی مدرس گیلانی. تهران: کتابفروشی حافظ.
- فرصت‌شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷). *آثار عجم*. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- فریدی مجید، فاطمه؛ هروی، جواد و بهرام‌زاده، محمد (۱۴۰۱). *قلمرو و مفهوم سیاسی ایران در نیمه نخست حکومت صفوی بر مبنای نقشه‌های تاریخی اروپایی (۱۵۱۱-۱۶۰۰ م./ ۹۰۷-۱۰۰۸ ق.)*. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۴ (۱۴)، ۷۹-۱۰۸.

فریدی مجید، فاطمه؛ هروی، جواد و بهرام‌زاده، محمد (۱۴۰۱). استان (ایالت) گیلان و هیرکانی در دوره صفوی بر مبنای نقشه جغرافیایی آدام اولتاریوس در ۱۶۵۶ م. / ۱۰۶۶ ق. در تطابق با کتاب مختصر مفید ۱۰۸۷ ق. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱ (۱)، ۱۵-۲۸.

فسایی، حاج میرزاحسن (۱۳۸۲). *فارسانه ناصری*. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

فیگوئروا، گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوئروا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نو.

قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳). *خلاصه‌التواریخ*. به کوشش احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.

کرم‌همدانی، علی (۱۳۸۳). *بند امیر در: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. به کوشش کاظم موسوی بجنوردی. جلد دوازدهم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ۵۸۱-۵۸۲.

کریمیان‌سردشتی، نادر (۱۳۷۷). *بند امیر (۱) در: دانشنامه جهان اسلام*. به کوشش غلامعلی حداد عادل. جلد چهارم. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۲۵۹-۲۶۱.

گنجی، محمدحسن؛ وثوقی، محمدباقر؛ صفی‌نژاد، جواد؛ فریدی مجید، فاطمه و انوری، امیرهوشنگ (۱۳۸۶). *وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی*. زیر نظر حسن حبیبی. تهران: بنیاد ایرانشناسی.

گیلانی، شیخعلی (۱۳۵۲). *تاریخ مازندران*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مستوفی، حمدالله (۱۳۹۶). *نزهه‌القلوب*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: سفیر اردهال.

مستوفی‌یزدی، محمدمفید بن محمود (۱۳۹۰). *مختصر مفید*. به کوشش ایرج افشار. تهران: دکتر محمود افشار یزدی.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

ملازئی، یاسر (۱۴۰۳). ریشه‌یابی نام دریاچه باباقمبر در ایالت خراسان بر مبنای نقشه آدام اولتاریوس از ایران عصر صفوی: یک خوانش تطبیقی و تحلیلی. *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۱۳ (۱)، ۶۷-۸۵.

ملازئی، یاسر و فریدی مجید، فاطمه (۱۴۰۴). از پدیداری تا فراموشی: سرگذشت نام چالدران در نقشه‌نگاری اروپائیان از ایران عصر صفوی. *مجله تاریخ ایران*، ۱۱ (۲)، ۲۶۱-۲۹۰.

نیبور، کارستن (۱۳۵۴). *سفرنامه نیبور*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: توکا.

وثوقی، محمدباقر و منصور صفت‌گل (۱۳۹۵). *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*. تهران: سازمان بنادر و دریانوردی.

Allen, W. E. D. (1956). The Sources for G. Delisle's 'Carte des Pays Voisins dela Mer Caspienne' of 1723. *Imago Mundi*, 13(7), 137-157.

Anonymous (1738). *A New Geographical Dictionary*. London: D. Midwinter.

Brancaforte, E. Ch. (2003). *Visions of Persia: Mapping the Travel of Adam Olearius*. London: The Harvard University Press.

- Brancaforte, E. & Sonja, B. (2012). The lands of the Sophi: Iran in early modern European maps (1550-1700). *Harvard Library Bulletin* 23(1-2), 134-175. <https://doi.org/10.1080/00210860802246275>
- Brown, L. (1979). *The Story of Maps*. New York: Dover Publications.
- Dahl, E. H. & Gauvin, J. F. (2000). *Sphaerae Mudi: Early Globes at the Stewart Museum*. Montreal: McGill-Queen's University Press.
- Dapper, O. (1672). *Asia, of, Naukeurige beschryving van het rijk des Grooten Mogols, en een groot gedeelte van Indien*. Amsterdam: By Jakob van Meurs.
- De Bruyn, C. (1737). *Travel into Muscovy, Persia and Part of The East Indies*. London: A. Bettesworth.
- Delisle, G. (1741). *Atlas Nouveau*. Amsterdam: Jean Covens and Corneille Mortier.
- Della Valle, P. (1658). *Viaggi Di Pietro Della Valle*. Rome: Biagio Deuersin.
- French - English Dictionary* (2016). New York: Barron's Educational Series.
- Gouzévitch, D. (2022). The Delisle Brothers in Russia: Victims of Historygraphy and Scurvy. In *foreign Lands: The Migration of Scientists for Political or Economic Reasons*, 55-84. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-80249-3>
- Jung, In-Ch. (2024). 프랑스 지도학자 기욤 드릴의 생애와 업적. *한국지도학회지*, 24(1), 1-17. <https://doi.org/10.16879/jkca.2024.24.1.001>
- Kuentzel - Witt, K. (2018). Peter the Great's Intermezzo with G. W. Leibniz and G. Delisle: The Development of Geographical Knowledge in Russia. *Quaestio Rossica*, 1(6), 63-78. <https://doi.org/10.15826/qr.2018.1.282>
- Littré, É. (1872). *Dictionnaire de la langue française*. Paris: Hachette.
- Magini, G. A. (1596). *Geographiae universae tum veteris, tum novae absolutissimum opus, duobus voluminibus distinctum*. Venetijs: Gulielmus Belli.
- Mergault, J. (1973). *Larousse's French Dictionary: French-English, English-French*. Paris: Librairie Larousse.
- Olearius, A. (1656). *Vermehrte Neue Beschreibung Der Muscowitischen und Persischen Reyse*. Holstein.
- Oliviera, R. H. & Cintra, J. P. (2019). A reforma cartográfica de Delisle: comparação entre o manuscrito da Torre do Tombo e a Dissertação publicada pela Academia de Ciências. VIII *Simpósio Luso-Brasileiro de Cartografia Histórica Porto*, Baião, Chaves, 35-50.
- Ortelius, A. (1570). *Thaterum orbis terrarium*. Antverpiae: Apud Aegid.
- Stewart, G. (1985). *American Place Names: A Concise and Selective Dictionary for the Continental United State of America*. New York: Oxford University of Press.
- Thévenot, d. J. (1647). *Suite Du Voyage De Levant*. Paris: Charles Angot.
- Thévenot, d. J. (1687). *The travels of Monsieur de Thevenot into the Levant*. London: Printed by H. Clark, for H. Faithorne.

Transliteration

- Ibn al-Balkhī. (1995). *Fārsnāmah-yi Ibn al-Balkhī*. Edited by Le Strange G. & Nicholson, R. A. Tehran: Asāfīr.
- Abizadeh, S., Pirbabaei, M. T. & Nejad Ebrahimi, A. (2019). Re-reading the urban structure of Ardabil in the Safavid period based on the comparison of historical texts with Adam Olearius' map. *Fine Arts Journal*, 24(4), 71–82.
- Istakhri, A. I. I. M. (2004). *Al-Masalik wa-al-Mamalik*. Cairo: Al-Hay'ah al-'Āmmah li-Qusur al-Thaqāfah.
- E'temad al-Saltaneh, M. H. (1984). *Tatbiq-e loghat-e joghrafiya-ye qadim va jaded-e Iran*. Edited by Moḥaddeth, M. H. Tehran: Amir Kabir.
- Tabrizi, M. H. b. K. (1963). *Borhan-e Qate'*. Edited by Moein, M. Tehran: Sina Bookstore.
- Tattavi, Q. A. & Qazvini, A. (2003). *Tarikh-e Alfīy*. Translated by Tabatabaei Majd, Gh. Tehran: Elmi-Farhangi.
- Hafez Abru, S. (1996). *Joghrafiyā-ye Hafez Abru*. Edited by Sajjadi, S. & Alidavood, A. Tehran: Mirath-e Maktub.
- Khānji, M. A. (1907). *Munajjim al-'Umrān fī al-Mustadrak 'alā Mu'jam al-Buldān*. Maṭba'at al-Sa'ādat.
- Khāndmīr, G. (1993). *Mā'athir al-Mulūk*. Edited by Moaddeth, H. Tehran: Resaneh.
- Reza, E., Kouras, Gh., Imamshoushtari, M. A. & Entezami, A. A. (1971). *Āb va fan-e ābiyāri dar Irān-e bāstān* [Water and irrigation technology in ancient Iran]. Vezārat-e Āb va Barq [Ministry of Water and Electricity Publications].
- Rumlū, Ḥ. (2005). *Aḥsan al-Tawārīkh*. Edited by Navā'ī, 'A. H. Tehran: Asatir.
- Zare, A. R. (2008). *Band Amir*. Qom: Hodhod.
- Amiri, M. [Trans.] (2002). *Safarnameh-ye Venizian dar Iran* [Venetian travelogue in Iran]. Tehran: Kharazmi.
- Chardin, J. (1993). *Safarnameh-ye Chardin* [Chardin's Travelogue]. Translated by Yaghmaee, I. Tehran: Toos.
- Shabankara'i, M. b. A. b. M. (2003). *Majma' al-Ansāb*. Edited by Moḥaddeth, M. H. Tehran: Amirkabir.
- Sefatgol, M. (2004). Naqshe-negari va Khalij-e Fars: Manzar-e Safavi [Cartography and the Persian Gulf: The Safavid View]. *Majaleh Takhassosi-e Groh-e Tarikh Daneshkadeh Adabiyat va Olum Ensani Daneshgah Tehran* [Specialized Journal of the History Department, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran], 4(5), 215–230.
- Safarzāei, A. & Molazei, Y. (2022). Geographical History of Makran in the Safavid Period Based on European Historical Maps. *Historical Research Studies*, 13(2), 95-118.
- Ghaffari-Kashani, Q. A. (1985). *Tarikh-e Negarestan*. Edited by Modarres-Gilani, M. Tehran: Hafez Bookstore.

- Forasht-Shirazi, M. N. (1998). *Āsār-e 'Ajām*. Edited by Rastegar Fasa'i, M. Tehran: Amir Kabir.
- Faridi-Majid, F., Heravi, J. & Bahramzadeh, M. (2023). The political domain and concept of Iran in the first half of the Safavid rule based on European historical maps (1511–1600 CE/ 907–1008 AH). *Studies in Islamic History*, 4(14), 79-108.
- Faridi-Majid, F., Heravi, J. & Bahramzadeh, M. (2022). The Province (State) of Gilan and Hyrcania in the Safavid Period Based on Adam Olearius's Geographical Map of 1656 AD/ 1066 AH in Comparison with the Book *Mokhtasar-e Mofid* (1087 AH). *Journal of Local Histories of Iran*, 11(1), 15–28.
- Fasa'i, H. M. H. (2003). *Farsnameh-ye Naseri*. Edited by Rastegar Fasa'i, M. Tehran: Amirkabir.
- Figueroa, G. D. (1985). *Safarnameh-ye Figueroa* [Travelogue of Figueroa]. Edited by Samiei, Gh. Tehran: No [New publication].
- Qomi, Q. A. (2004). *Khulāṣat al-tawārīkh*. Edited by Eshraghi, E. Tehran: Tehran University Press.
- Karam-Hamadani, A. (2004). Band-e Amir. In *The Great Islamic Encyclopedia* Edited by Mousavi Bojnourdi, K. Vol. 12, 581–582. Tehran: Markaz-e Da'erat-ol-Ma'aref-e Bozorg-e Eslami.
- Krimian Sardashti, N. (1998). Band-e Amir (1). In *Danesnameh Jahan-e Eslam* Edited by Haddad Adel, G. A. Vol. 4, 259-261. Tehran: Bonyad-e Da'erat-ol-Ma'aref-e Islami.
- Ganji, M. H., Vosoughi, M. B., Safinejad, J., Faridi-Majid, F. & Anvari, A. H. (2007). *Description of the Persian Gulf in Historical Maps*. Edited by Habibi, H. Tehran: Bonyad-e Iranshenasi [Iranology Foundation].
- Gilani, Sh. (1973). *Tarikh-e Mazandaran*. Edited by Sotoudeh, M. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran [Iranian Culture Foundation].
- Mostowfi, H. (1396). *Nuzhat al-qulub*. Edited by Mohaddes, M. H. Tehran: Safir Ardehal.
- Mostowfi-Yazdi, M. M. (2011). *Mokhtasar Mofid*. Edited by Afshar, I. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar's publications.
- Moghaddasi, A. M. b. A. (1982). *Ahsan al-Taqasim fi Ma'rifat al-Akalim*. Translated by Monzavi, A. Tehran: Sherkat Moalefan va Motarjeran Iran [Iranian Authors and Translators Company].
- Molazei, Y. (2025). Rooting the name of Babagambar Lake in Khorasan Province based on Adam Olearius's Map of Safavid Iran: A Comparative and Analytical Reading. *Journal of Local Histories of Iran*, 13(1), 67-85.
- Niebuhr, C. (1975). *Safarnameh-ye Niebuhr* [Niebuhr's Travelogue]. Translated by Rajabi, P. Tehran: Tuka.
- Vosooghi, M. B. & Sefatgol, M. (2017). *Atlas of the History of Iranian Ports and Seafaring*. Tehran: Sāzman-e Banādar va Daryānavardi [Ports and Maritime Organization].